

نقش رسانه‌های نوین در نظام تربیت و آموزش پلیس؛ چالش‌ها و فرصت‌ها

اکبر استرکی¹، رضا عبدالرحمانی²

تاریخ دریافت: 92/04/03

تاریخ پذیرش: 92/06/28

از صفحه 13 تا 48

چکیده

آموزش، تربیت و جامعه‌پذیری از مباحث مهم جامعه‌شناسی و البته بسیاری دیگر از حوزه‌های مربوط به زندگی اجتماعی است. در هر عصری شیوه‌ها و روش‌های تربیت و آموزش تاحدی تغییر می‌کند که می‌توان عامل اساسی این گوناگونی‌ها را شرایط زمانی و مکانی و البته در دنیای جدید، ظهور و گسترش رسانه‌ها دانست. در عصر جدید که عصر فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات و نیز عصر تغییر نام گرفته، رسانه‌های نوین مانند اینترنت با درنوردیدن فاصله‌های مکانی و زمانی، نه فقط جهان را برای همه به‌عرصه‌ی حضور تبدیل کرده که تمامی عرصه‌های مختلف زندگی بشر، به‌ویژه تعلیم و تربیت را دگرگون ساخته و از بسیاری جهات، معنا و مفهوم جدیدی به آن بخشیده است. می‌توان حدس زد که آموزش و تربیت در این شرایط در تمامی سطوح و مقاطع، دچار دگرگونی‌های زیادی شده و خواهد شد؛ از این‌رو هدف اساسی مقاله با توجه به تحولات یادشده، ابتدا پاسخ‌گویی به آن دسته از چالش‌ها و فرصت‌های است که از خلال چنین شرایطی ظهور کرده و سپس، چستی تکلیف آموزش‌ها و تربیت پلیس با تأکید بر تأثیرات رسانه‌های نوین است.

نگارندگان در این مقاله سعی کرده‌اند ضمن نشان دادن اهمیت و جایگاه رسانه‌های نوین در فرهنگ جدید، نقش آن‌ها را به‌ویژه در امر تربیت، آموزش و جامعه‌پذیری جدید، به‌خصوص در پلیس نشان داده و مطالبی از روش و فونوی گفته‌اند که می‌توان با استفاده از آن‌ها بیشترین کارآمدی را در آموزش و تربیت پلیس‌ها با تأکید بر رسانه‌های نوین به‌وجود آورد.

شاید محوری‌ترین یافته‌ی مقاله آن باشد که ما به‌عنوان بزرگسالان باید بیاموزیم که نگرش‌ها و رفتارهای خود را تغییر (تعدیل) داده و روش‌های قدیمی تفکر را با توجه به تحولات ایجادشده، بازبینی کنیم تا این‌که بتوانیم هم به درک آنچه جوانان می‌گویند، می‌کنند و می‌خواهند نزدیک شویم و هم ذهن‌مان را برای پذیرش ایده‌های جدید تولیدشده توسط نسل جوان آماده‌تر کنیم.

کلید واژه‌ها

اینترنت، آموزش، پلیس، تربیت، جامعه‌پذیری، رسانه‌های نوین، فناوری نوین اطلاعات و ارتباطات.

1 - استادیار و عضو گروه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه علوم انتظامی خویسنده مسول

2 - استادیار و عضو گروه علوم اجتماعی دانشگاه علوم انتظامی

مقدمه

آموزش، تربیت و جامعه‌پذیری از مباحث مهم جامعه‌شناسی و البته بسیاری دیگر از حوزه‌های علم و دانش است. در هر عصری شیوه‌ها و روش‌های تربیت و آموزش تاندازه‌های تغییراتی را به خود دیده است که می‌توان عامل اساسی این گوناگونی‌ها را شرایط زمانی و مکانی دانست. بر همین اساس می‌توان گفت که ظهور و گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی یک پدیده‌ی اجتماعی- فرهنگی است؛ به‌قسمی که زمانی مارگارت مید (1970) فرهنگ را با تأکید بر تربیت و جامعه‌پذیری به سه بخش اساسی دسته‌بندی کرد: پس‌پیکربندی¹، پیکربندی‌شده² و ماقبل پیکربندی³. دوریم نیز نقش آموزش و پرورش در اجتماعی کردن کودکان را متناسب با نظام اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها می‌دانست. او معتقد بود که نظام آموزش و تربیت جامعه، ارتباط و پیوند نزدیکی باهم دارند و در هر جامعه‌ای، متناسب با ساختارهای آن جامعه، نوعی نظام آموزش و پرورش خاص به‌وجود می‌آید.

در عصر جدید که به عصر فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات نام گرفته، رسانه‌های نوین مانند اینترنت، به‌عنوان شبکه، شبکه‌ها و رسانه‌های قدرتمند (محسنی و دوران و سهرابی، 1385) با درنوردیدن فاصله‌های مکانی و زمانی، نه‌فقط جهان را برای همه به عرصه‌ی حضور تبدیل کرد⁴ که تمامی عرصه‌های مختلف زندگی بشر، به‌ویژه تعلیم و تربیت را دگرگون ساخته و از بسیاری جهات معنا و مفهوم جدیدی به آن بخشیده است (کوثری، 1384؛ خانیکی، 1386). حقیقت این است که ما بیش از هر زمان دیگری در عصر تغییر زندگی می‌کنیم (کوثری، 1384؛ خانیکی، 1386). به جرأت می‌توان گفت، آنچه زمینه‌ساز چنین تغییرات شگرف در این برهه از تاریخ گردیده و آن را واجد برجستگی و اهمیتی فوق‌العاده نموده، دستاوردهای نوپدید فناورانه‌ی اطلاعات و ارتباطات یا همان رسانه‌های نوین است (دوران، 1386: 185).

با پیدایی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطاتی، به‌ویژه ظهور رسانه‌های نوین این فناوری‌های جدید، اشکال و سطوح دیگری از ارتباطات پدید آمدند که پیش‌از این سابقه

1 - Postfigurative

2 - Con Figurative

3 - Prefigurative

4 - <http://www.hamshahrionline.ir>

نداشته است. بی‌شک این شرایط جدید که توأم با چالش‌ها و فرصت‌های خاصی در برخی جوامع بوده، نه‌تنها بر روند فرهنگ (تاجیک 1386: مؤمنی 1386: الویی 1386: خانیکی 1386؛ داوری 1386؛ کوثری 1384)، بلکه بر ظهور رفتارهای (تربیت‌های) جدید تأثیر به‌سزایی داشته است (کوثری 1386: 199).

بخش مهمی از نگرانی و چالش‌ها و امیدهای (فرصت‌ها) پدیدآمده از رسانه‌های جدید، به‌سبب گزارش‌هایی است که در این جوامع، درخصوص گسترش جرایم، ناامنی‌ها، ناهنجاری‌ها، آسیب‌های اجتماعی و از سوی دیگر فوایدی که به باور آورده‌اند، اشاره دارد؛ به این معنا که این گزارش‌ها علل افزایش بسیاری از پدیده‌های یادشده و از سوی دیگر (و البته کمتر) توسعه و تحولات اجتماعی را در ظهور رسانه‌های جدید جست‌وجو می‌کردند. این گزارش‌ها با تأکید بر ظهور نوع جدیدی از جرایم، باعنوان جرایم اینترنتی¹ (مانند جاسوسی صنعتی، دست‌کاری در بازار بهابازار، اخاذی، هرزه‌نگاری² (مک این؟)، سوءاستفاده‌ی غیراخلاقی از کودکان و زنان، ارسال نامه‌های تهدیدآمیز، دزدی هنری و یا ادبی و غیره)، معتقدند که این جرایم، نه‌تنها به این سبب که از بعد ملی و منطقه‌ای خارج‌شده و جنبه‌ی بین‌المللی یافته، حایز توجه است، بلکه این جرایم سالانه خسارت‌های مالی فراوانی (گاه بالغ بر صدمیلیارد دلار، یعنی بیش از کل درآمد فروش مواد مخدر در سطح جهان)، برای جوامع و دولت‌ها به همراه داشته‌اند³.

البته بروز این‌گونه دل‌نگرانی‌ها و هراس‌ها پدیده‌ای تازه نبوده و تنها به جامعه‌ی ما نیز اختصاص ندارد، بلکه سابقه‌ی آن را می‌توان در رسانه‌های پیشین، از خط و چاپ گرفته تا اختراع رادیو، سینما، تلویزیون، ویدئو و ماهواره نیز دید (دوران، 1386: 186؛ روتشکی، 1381) الصاق برچسب‌هایی مانند شیطنانی بودن، اعتیادآور بودن⁴، خطرناک بودن، ایجادکننده‌ی مشکلات اخلاقی و گرایش به‌سوی مشاهده‌ی تصاویر مستهجن و بالاخره از بین برنده یا تضعیف‌کننده‌ی فرهنگ و دین به اینترنت، در همین راستاست⁵.

1- Internet Crime

2 - Pornography

3 - http://pr.eprsoft.com/archives/cat_uu_oeuoou_oeoouoeoeeoe.html

4 - <http://www.mob.ir/forum/Mobile/News/12188214931387> 25 مرداد

5 - <http://www.farsnews.com> // <http://www.mardoman.com> // <http://www.noormags.com> // www.ofc.ir

بنابراین رسانه‌های نوین در همه‌ی عرصه‌ها (به‌ویژه تربیت و جامعه‌پذیری)، هم فرصت‌اند و هم نگرانی و چالش؛ زیرا دقیقاً نمی‌دانیم آن‌ها تا چه اندازه در آموزش و تربیت جوانان و فرزندان ما تأثیرگذارند؟ و تا به چه اندازه نگرانی‌ها و امیدها درخصوص آن‌ها جدی است؟ آیا این ادعا که فناوری‌های رایانه‌ای و اینترنتی می‌توانند امنیت ملی، آسایش عمومی و موجودیت یک جامعه را به‌مخاطره انداخته، آثار منفی بی‌شماری را بر زندگی افراد اجتماع تحمیل کرده، بر میزان جرایم، ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی بیفزاید، درست است یا خیر؟ آیا آن‌ها می‌توانند بر زندگی اجتماعی که همان روابط، هم‌بستگی‌ها و تعهدات مشترک است (چلبی، 1375: 67) تأثیر گذارده، آن را دگرگون یا حتی به مسئله‌ای بدل سازد یا نه؟ چه چیزی باعث می‌شود که افراد به‌دنبال تأمین نیازهای‌شان به این رسانه‌ها روی آورند؟ چگونه می‌توان از طریق این رسانه‌ها جوانان را کارآمدتر تربیت کرد؟ پیامدهای آشکار و پنهان تربیتی تعامل از طریق رسانه‌های نوین کدام‌اند؟ باتوجه به پرسش‌های فوق، هدف نگارندگان مقاله‌ی حاضر، آن است که تا حد امکان و البته به‌اختصار به پرسش‌های مطروحه، پاسخ گفته، پیشنهادهایی درخصوص تربیت و آموزش پلیسی با تأکید بر ظهور و گسترش فناوری‌های فوق مطرح کنند.

اهمیت و ضرورت موضوع.

اما مطالعه‌ی رسانه‌های نوین چه اهمیتی دارد؟ ضرورت‌های بررسی و تحقیق درخصوص فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در عصر حاضر کدام‌اند؟

الف) افزایش کاربران

از زمان ایجاد شبکه‌های جهانی، به‌خصوص اینترنت، سرعت گسترش استفاده از فضای مجازی از دیگر فناوری‌های ارتباطی پیشی گرفته و در این‌بین، اینترنت به محدوده‌ای در حال رشد از تعاملات اجتماعی بدل شده که افراد در آن به انواع فعالیت‌های اجتماعی از سرگرمی‌های ساده گرفته تا انجام امور پیچیده مبادرت می‌ورزند؛ شاید به‌همین دلیل باشد که جمعیت برخط¹ کاربران اینترنتی روزبه‌روز در

حال افزایش است (خروج‌زاده، 1382)¹. آمارها نشان می‌دهند که در سال 2004 از شش میلیارد نفر جمعیت جهان، حدود هفتصدونودوپنج میلیون نفر از اینترنت استفاده می‌کردند. این رقم که برای ایران در سال 1365 کمتر از دویست نفر بود، در سال 1370 به ده‌هزار نفر، در سال 1379 به حدود دویست‌وپنجاه هزار نفر، در سال 1383 به حدود چهارمیلیون‌وسیصد هزار نفر (صادقی، فسادی و محمدی، 1384) و بالاخره در سال 1385 به بیش از یازدهمیلیون نفر رسیده است.² این آمارها نشان می‌دهد که میزان استفاده‌کنندگان از اینترنت و وبلاگ‌نویسان³ در کشورمان، علی‌الخصوص میان جوانان و مردها، روزبه‌روز در حال افزایش است (کوثری، 1384). آخرین گزارش‌ها نشان می‌دهد که در کل، تعداد کاربران اینترنت در کشورمان بالغ‌بر 27 میلیون و 580 هزار نفر است.

(ب) تأثیرپذیری جوانان عصر حاضر از رسانه‌ها نسبت به دوره‌های قبلی و حتی به‌وجود آمدن فرهنگ جدیدی به نام فرهنگ رسانه‌ای.

(ج) صرف هزینه‌های فراوان برای کنترل و نظارت به سبب نگرانی از تأثیرات. در این بین بسیاری از دولت‌ها با صرف هزینه‌های هنگفت درصدد تدوین قوانین ملی و بین‌المللی، طراحی نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای گوناگون، فیلترینگ و بسیاری دیگر از راهکارها برای مقابله و حتی گسترش فعالیت‌ها در ارتباط با این پدیده هستند (رضوی 1386؛ لایق 1381؛ راودراد 1384؛ دزیانی، 1381).

(د) نگرانی از تأثیر رسانه‌های نوین بر ظهور پدیده‌های جدیدی از قبل: ویرانگری و آسیب‌رسانی به امنیت داخلی و ملی، تهدید آسایش عمومی و موجودیت جامعه (رضوی، 1386؛ وایلدینگ، 1379؛ 11؛ صادقی، فسادی و محمدی، 1384؛ آی‌کاو و همکاران، 1383؛ 46 و 73)، صدمات جبران‌ناپذیر به جوانان و زنان⁴، گسترش خسارات مالی به مردم، شرکت‌ها

1 - مدیر پارسی بلاگ آمار وبلاگ‌های ثبت‌شده را این‌گونه می‌دهد: تا الان حدود سی‌هزار وبلاگ ثبت شده در سیستم ما وجود دارد <http://www.etemaad.com> و هم‌اگونه دکتر سعید معین‌فر رییس انجمن جامعه شناسان ایران اشاره کرده، کشورمان با رشد 25 برابری تعداد کاربران طی چند سال گذشته مواجه بوده است <http://www.aftabnews.ir/vdcenv8jhz8zx.html>؛ معین‌فر، حبیب‌پور و گنجی، 1384.

2 - <http://itiran.com/?type=news&id=6257>؛ <http://pr.eprsoft.com/archives>

3 - http://www.irrt.ir/articles/international_policy/internet_nuclear_war.php تعداد وبلاگ‌های ثبت شده نیز حدود

800 هزار تا یک میلیون برآورد می‌شود

4 - <http://www.microfars.com/pezeshk/shytan.htm>؛ 1384؛ راودراد http://pr.eprsoft.com/archives/cat_uu_oeuoou_oeuoouoeoeeoe.html

و دولت‌ها¹، بدل شدن آن به یکی از مشکلات جدی جوامع و دولت‌ها (آی کلو و همکاران، 1383: 57؛ عبداللهیان 1384) 2 و بالاخره آنومی، انزوای اجتماعی، از خودبیگانگی و فقدان انسجام اجتماعی (کوثری، 1384؛ محسنی، دوران و سهرابی، 1385؛ دوران، 1384).

ه) تأسیس پلیسی با نام پلیس فتا. چالش‌های فنی و قضایی گوناگونی در جهان در حوزه‌ی جرایم اینترنتی رخ داده که این خود بسیاری از کشورها را به دنبال یافتن راهکارهایی برای کنترل و مراقبت از جرایم اینترنتی واداشته است (دزیانی، 1381). سی سال پیش‌ازین، یک افسر پلیس با دریافت یک دفترچه، باتوم، اسلحه، چراغ قوه و دستبند تا زمان بازنشستگی باهمین ابزارها مشغول فعالیت بود و هنگام بازنشستگی آن‌ها را تحویل می‌داد؛ اما امروزه پلیس‌ها برای مبارزه و رویارویی با مجرمان کامپیوتری و جلوتر رفتن از آن‌ها ناگزیر از فراگیری دانش اطلاعاتی و ارتباطاتی و نیز شناخت انواع نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای کامپیوتری هستند (رابینسون، 2002). این خود به معنای آموزش بیشتر، پیچیده‌تر و هزینه‌ی بیشتر است.

مبانی نظری

پیشینه‌ی تحقیقات

- (بی‌تا) نقش نوین رسانه‌ها در ارتقای سطح آموزشی مدارس مترجم: پرویز صدرات ص 169. این مقاله به بررسی جایگاه نوین رسانه‌ها در برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی مدارس می‌پردازد و چگونگی بهره‌گیری از رسانه‌ها را برای ارتقای سطح آموزشی مدارس تشریح می‌کند. به عقیده‌ی این نویسنده، استفاده‌ی بهینه از این ابزارها مستلزم تجهیز مدارس به مراکز رسانه‌ای است.

مسترم، لن (بی‌تا) یونس شکرخواه آموزش رسانه‌ای و 18 اصل حاکم بر آن. ص 197. نگارنده در دو کتاب خود Media Teaching the (1985) آموزش رسانه‌ای 1990 [Media Education in Europe in the 1990's] به نقش مهم رسانه‌های نوین در ترتیب جدید تأکید می‌کند.

1 - H://Internet and pathology/what is internet fraud.tml

2 - http://usinfo.state.gov/persian/index/products/products_listing_ej/State_Local_Government/Inter_jurisdictional.html: http://iran-newstoday.blogspot.com/2007/08/blog-post_5419.html

خنجری، عین‌الله (بی‌تا) آموزش الکترونیکی و بستر ارتباطی رسانه‌ای یک‌پارچه و متعامل. نوشتار از میان اجزا و عناصر اصلی سیستم آموزشی بستر و شیوه‌ی ارایه‌ی آموزش بررسی می‌شود.

رشنوادی یعقوب (بی‌تا) نوین‌گرایی در سیستم‌های آموزشی عصر فناوری اطلاعات (بی‌تا) استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) با فراهم‌آوردن امکان افزایش کیفیت و بهره‌وری آموزشی در کلیه‌ی سازمان‌ها چشم‌انداز نویدبخشی در گسترش دانش به همراه خواهد آورد؛ چشم‌اندازی که سیستم آموزش عالی با راه‌اندازی دانشگاه‌های مجازی و سازمان صداوسیما (مهدوی نور و فتحیان، 1382: 1) با راه‌اندازی شبکه‌ی آموزش، نوید آن را داده‌اند.

شاه‌محمدی، عبدالرضا (بی‌تا) فناوری‌های نوین، آموزش را مولدتر و مؤثرتر می‌کنند. مقاله‌ی حاضر با بررسی یکی از وظایف مهم وسایل ارتباط جمعی، یعنی نقش آموزشی و تأکید بر تأثیر شدید آن‌ها در عصر کنونی، مزایای آموزش از طریق این‌گونه وسایل را بیان می‌کند. این نوشتار، عناصر تأثیرگذار بر روند آموزشی رسانه‌ها در فرایند جهانی-شدن و همچنین نقش حواس در فرایندهای یادگیری و استفاده از فناوری‌های نوین را بررسی کرده است.

بابایی، محمود و فهیمی، فرسپیده (1392) ویژگی‌های رسانه‌های نوین و الگوهای ارتباطی. فصلنامه‌ی مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، شماره‌ی 96، زمستان. صص 174-193. یافته‌ها: الگوهای ارتباطی رسانه‌های نوین به سمت احیای روش‌های انتقال اطلاعات و برقراری ارتباط در دوران گذشته و ارتباط میان‌فردی سوق یافته است. پیشرفت‌های حوزه‌های زیرساختی، سخت‌افزاری و نرم‌افزاری موجب تکامل کیفیت ارتباطات در عرصه‌ی ارتباطات شده است. این روند نه‌تنها وضعیت انتقال پیام یک‌طرفه را در رسانه تغییر داد، بلکه از تعامل‌های مبتنی بر پیام‌های متنی عبور کرد و رسانه‌ی نوین، خود را در شکل کامل چندرسانه‌ای-تعاملی به رخ کشید.

کلانتری محسن (بی‌تا) کاربرد فناوری‌های نوین در امور پلیسی. فناوری اطلاعات و ارتباطات، بسیاری از جنبه‌های زندگی و فعالیت انسان را دگرگون کرده است و موجب فشرده‌گی زمان و مکان شده است. همراه با پیشرفت‌های بشر و ظهور دانش و

فناوری‌های نوین، عرصه‌های جدیدی برای تبهکاری پدید آمده است. ازسویی گسترش مرزهای دانش، یک فرصت و درعین‌حال یک ضرورت فراروی دست‌اندرکاران قضایی و انتظامی قرار داده است تا با استفاده از علم و ابزارهای نوین، برای مقابله، کنترل و پیشگیری از بزهکاری اقدام کنند.

خنجری، عین‌ا... (1386) تبلیغات و فناوری‌های نوین رسانه‌ای. فصلنامه‌ی پژوهش‌های ارتباطی، شماره‌ی 29، بهار 1386، ص 457. در این مقاله، موضوع تبلیغات از دیدگاه فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای نوین، بررسی شده است.

موضوعات دیگری که با تأکید بر رسانه‌های نوین به چاپ رسیده، فراوانند؛ مانند نقش رسانه‌های نوین در تبلیغات؛ تأثیر رسانه‌های نوین بر خشونت؛ اهمیت استفاده از رسانه‌های نوین در گسترش فرهنگ مطالعه؛ تأثیر فناوری جدید ارتباطی بر عرصه‌ی خبر و اطلاع‌رسانی؛ رسانه‌های جدید و قدرت حضور در سطوح گوناگون اجتماعی و... که همه حاکی از تأثیرات رسانه‌های نوین در حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی است.

تعریف رسانه‌های نوین. درک دقیق از رسانه‌های نوین یا وجه مشترک تمامی تعابیر از این مفهوم نیازمند آشنایی با برداشت‌های موجود از پردازش رایانه‌ای و ظهور قالب‌های نوین انتشار اطلاعات است. تعبیر «رسانه‌ی نوین» مفهومی عام برای تمامی رسانه‌هاست؛ زیرا هریک از رسانه‌ها در مقطع تاریخی خود به‌هنگام ظهور به‌سبب قابلیت‌ها، کارکردها و ویژگی‌ها نو بودند؛ برای نمونه هنگامی که تلویزیون پا به عرصه‌ی وجود گذاشت، بسیاری از رسانه‌های ماقبل خود مانند سینما، رادیو و مطبوعات را به حاشیه برد (بابائی، 1390).

«رسانه‌های نوین» درواقع، مجموعه‌ی متمایزی از تکنولوژی‌های ارتباطی هستند که خصایص معینی را در کنار نوشدن، امکانات دیجیتال و در دسترس‌بودن وسیع برای استفاده‌ی شخصی به‌عنوان ابزارهای ارتباطی دارند. به‌نظر می‌رسد که در تعریف رسانه‌های نوین، تأکید بر مجموعه‌ی فعالیت‌هایی متمرکز است که تحت عنوان اینترنت مطرح هستند (مک کوایل، 2005). از همین رو بوده که مانویک¹ (2001) در تعریف رسانه‌ی نوین به هرآنچه از طریق رایانه و اینترنت تولید و انتشار می‌یابد، اشاره کرده

1 - Manovich

است (بابائی، 1390)؛ مانند اخبار آنلاین، آگهی‌های بازرگانی، استفاده از برنامه‌های تولیدی مانند دانلود موسیقی و موارد مشابه، پست الکترونیکی شخصی، بازی‌ها و دیگر خدمات خصوصی ارائه‌شده، شرکت در بحث‌ها و گفت‌وگوها، استفاده از شبکه‌ی جهانی وب، جست‌وجوی اطلاعات و شکل‌های بالقوه و خاص ارتباطی و بالاخره نسل جدی‌تری از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی (مک کوایل، 2005).

مک کوایل به نقل از بایام، رسانه‌های نوین را در چهار دسته‌ی اصلی شناسایی کرده که در شباهت‌های خاص مجرای انتقال پیام اشتراک دارند و تقریباً به‌دلیل نوع استفاده، محتوا و محیط به‌شرحی که می‌آید، متفاوت‌اند:

■ **رسانه‌های ارتباط میان‌فردی.** این رسانه‌ها شامل تلفن (به شکل فزاینده‌ای موبایل) و پست الکترونیک (ابتدا برای کار ولی در حال شخصی‌تر شدن) می‌شوند. محتوا در اینجا شخصی و ناپایدار است و رابطه‌ی شکل‌گرفته و قوت‌یافته، اهمیتی بیش از اطلاعات مبادله‌شده دارد.

■ **رسانه‌های مربوط به بازی‌های تعاملی.** این رسانه‌ها مرتبط با بازی‌های کامپیوتری و ویدئویی و ابزاری برای ایجاد واقعیت مجازی هستند. ابتکار اصلی نهفته در این تعامل و شاید تسلط «فراگرد» بر «لذت» کاربری است.

■ **رسانه‌های جست‌وجوگر اطلاعات.** این گروه وسیع است. اینترنت و شبکه‌های جهانی وب، مهم‌ترین نمونه‌های آن هستند که به‌مانند یک کتابخانه، یا مرکز اطلاع‌رسانی با اندازه، واقعیت و دسترسی نامشخصی دیده می‌شوند. در کنار این شبکه (موبایل) تلفن نیز به‌شکل فزاینده‌ای به مجرای اطلاعاتی برای انتقال اطلاعات تبدیل شده است؛ به‌گونه‌ای که پخش تله‌تکست، رادیو و مبادله‌ی داده‌های دیجیتال را نیز انجام می‌دهند.

■ **رسانه‌های مشارکتی.** این گروه شامل به‌ویژه، کاربری‌های اینترنت مانند اشتراک و تبادل اطلاعات، نظرات و تجربیات و توسعه‌ی ارتباطات شخصی فعال (در کامپیوتر) می‌شود و از کاربردهای ابزاری تا کاربری‌های بسیار شخصی و درونی را شامل می‌شود (بی‌آیم، 2002).

ظهور رسانه‌های نوین برخی را بر آن داشت تا در پی ویژگی‌ها و به تعبیر دیگر تفاوت‌ها و شباهت‌های رسانه‌های نوین با رسانه‌های سنتی باشند. بر همین اساس برخی ویژگی‌ها و تفاوت‌های رسانه‌های نوین را چنین برشمرده‌اند:

- دیجیتالی شدن در تمام عرصه‌ها؛
- جداشدن اینترنت از ارتباطات جمعی؛
- تقلیل کنترل اجتماعی؛
- فاقد زمان و مکان بودن تولید، ارایه و تبادل اطلاعات؛
- تعاملی بودن یا ارتباطات هم‌زمان دوسویه و چندسویه بودن ارتباطات؛
- ایجاد فضاهای مختلف برای استفاده‌ی همه‌نوع مخاطب و درعین حال درون‌گرایی بیشتر نقش مخاطب؛
- ایجاد فرهنگی خاص با تأکید بر فضای مجازی که به فرهنگ فضای مجازی نام گرفت؛
- به‌وجودآمدن گفتمان‌های جدید و محدودیت یافتن کنترل‌های دولتی؛
- تبادل و ارتباط بین فرهنگی میان فرهنگ‌های جوامع و خرده‌فرهنگ‌های درون یک جامعه؛
- ازهم پاشیدگی «نهاد رسانه» و درعین حال، ایجاد هم‌گرایی میان رسانه‌های سنتی و جدید با ارایه‌ی هم‌زمان تمامی محتواها (بابائی، 1390 به نقل از کاستلز، 2002؛ مانوویچ، 2006؛ ریکاردو، 2008؛ تامپسون، 1995).

نظریه‌ها

تاریخچه‌ی نسبتاً مختصر رسانه‌های نوین تاکنون پر از تفاوت نظر در مورد فواید و هزینه‌های آن است؛ اما به‌طور کلی رسانه‌های نوین مورد استقبال (حتی از سوی رسانه‌های قدیمی) قرار گرفتند (مک کوایل، 2005 به نقل از راسلر، 1992)¹، اما باوجود این خوش‌بینی‌ها، خطراتی به‌عواقب گسترده‌شدن این پدیده، به‌ویژه در نبود

1 - McQuail's, Denis (2005) Mass Communication Theory.

چارچوب‌های قانونی و کنترل‌های لازم (به‌ویژه اخلاقی) دیده می‌شود. پنداشت‌های مربوط به آثار رسانه‌های نوین بسیار از آنچه در واقع می‌تواند وجود داشته باشد، بالاتر رفته است؛ تا جایی که پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده که توقعات عمومی و شخصی در خصوص رسانه‌های نوین را کاهش دهد. از قضا یکی از پرسش‌های اساسی در این خصوص آن است که چگونه می‌توان گرایش به کاربرد رسانه‌های نوین را در گروه‌های مختلف اجتماعی تعدیل یا کنترل کرد؟

شاید بنیادی‌ترین جنبه‌ی تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات¹ - که چیزی افزون بر آنچه موجود است می‌باشد و نه جایگزینی برای آن - دیجیتالی‌شدن و البته همگرایی میان تمامی اشکال رسانه‌ها در زمینه‌های سازمان، پخش و توزیع، دریافت و سازماندهی، از نتایج بالقوه‌ای است. همگرایی و دیجیتالی‌شدن ممکن است پیامدها و نتایج (مثبت و منفی) بسیار بیشتری را برای افراد جامعه در تمامی جنبه‌های فردی و اجتماعی - که تربیت و آموزش یکی از مهم‌ترین آنهاست - به بار آورد.

به‌طور کلی راز رسانه‌های نوین در قدرت تحرک و توانایی انتقال و سرعت تبادل اطلاعات آنهاست. پیدایش رسانه‌های نوین (با مبنای اینترنت) نه فقط هرگونه اقتدارگرایی رسانه‌ای را تضعیف و مدل‌های ارتباط شبکه‌ای را امکان‌پذیر ساخت که به هریک از مخاطبان این امکان را داد که بتواند با هرکسی در هر زمان و مکانی که بخواهند، ارتباطی دوسویه و چندسویه داشته باشد؛ از همین‌روی قواعد تولید محتوا، شیوه‌های تعامل و دسترسی، دچار تحولی شگرف شد و الگوی نوینی از ارتباط رسانه‌ای و تأثیرات رسانه‌ای در تمامی حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد، آموزش و سیاست به‌منصه‌ی ظهور رسید.

تربیت و آموزش. در ادبیات جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، از دو جامعه‌شناس یعنی «لستر وارد» و «امیل دوریم» به‌عنوان آغازگر و مروج نگرش جامعه‌شناسانه در مطالعه‌ی «تربیت» نام برده می‌شود. هریک از این دو جامعه‌شناس با رویکرد و اندیشه‌ی خاص خود، موجد پیدایی مفهوم و حرکت متمایزی در مطالعه‌ی آموزش و پرورش شده‌اند که جامعه‌شناسی تربیت² و جامعه‌شناسی آموزش و پرورش¹ نامیده می‌شوند.

1 - ICT

2 - Educational Sociology

این دو مفهوم، به دو جهت‌گیری متمایز اشاره می‌کنند که اولی، از آموزش و پرورش می‌پرسد که چه کاری می‌توانم انجام دهم که برای تو مفید باشد؟ و دومی می‌پرسد که در ارتباط با جامعه چه هستی و چه کار می‌کنی؟ بنیانگذاران جامعه‌شناسی تربیتی بر استفاده از اصول و یافته‌های جامعه‌شناسی به منظور کمک به آموزش و پرورش در حل مسائل اجتماعی تأکید داشتند؛ در نتیجه توجه جامعه‌شناسی تربیتی، معطوف به این مسئله است که چگونه از طریق تسلط بر فراگردهای آموزشی و پرورشی می‌توان به رشد و پرورش بهتر شخصیت (افراد) نایل آمد؛ برای نمونه چگونه می‌توان از طریق داده‌های آموزشی به تربیت بهتر و کارآمدتر پلیس اهتمام کرد.

دوریم به پیروی از آگوست کنت، تعلیم و تربیت را امری اجتماعی می‌داند؛ از این رو او بنیانگذار دانشی است که در عصر ما به جامعه‌شناسی پرورشی معروف است. در مجموع، دوریم تربیت را وسیله‌ی انتقال میراث تمدنی از نسلی به نسل دیگر یا «اجتماعی کردن» کودکان می‌داند و تعلیم و تربیت را عملی می‌داند که نسل‌های بر نسل‌هایی که هنوز برای زندگانی اجتماعی به حد بلوغ و کمال نرسیده‌اند، اعمال می‌کنند تا در کودکان، حالات جسمانی و عقلی و ذهنی را برانگیزند و رشد دهند (مهدوی، 1341: 27).

تعریف دوریم از تعلیم و تربیت، ما را متوجه هدف‌های اجتماعی تعلیم و تربیت و اصولاً اجتماعی بودن آن می‌سازد و ناظر بر این حقیقت است که تعلیم و تربیت تاحد زیادی تابع نظام اجتماعی است و هدف‌گیری فردی کافی نیست (دوریم، 1956).

پیترز عقیده دارد که تربیت مستلزم: 1. شناخت و معرفت مؤثر ارزش‌ها و هنجارهاست، 2. انتقال ارزش‌هایی است که قاطبه‌ی افراد جامعه، آن‌ها را پذیرفته و می‌خواهند آن را به دیگران منتقل کنند، 3. کاربرد روش‌های خاص برای انتقال آن معرفت و ارزش‌هاست؛ بنابراین آنچه از واژه‌ی تربیت استنباط می‌شود، این است که تربیت، شامل ایجاد یا فعلیت بخشیدن هر نوع کمالی در انسان می‌شود که مطلوبیت و ارزش داشته باشد. این کمال، سه عامل مهم (جامعه، مربی و متربی) و سه جنبه‌ی شناختی، کنشی یا حرکتی و بالاخره گرایشی یا عاطفی دارد.

روش‌های آموزش و تربیت. وقتی از هدف و محتوای تربیت سخن می‌رانیم، به‌طبع، روش تربیتی نیز مطرح می‌شود. البته شاید این روش از اهمیتی که محتوا دارد برخوردار نباشد؛ ولی روش‌های تربیتی نیز به‌نوبه‌ی خود می‌توانند خشک و غیرقابل انعطاف و احياناً خشن و برعکس ممکن است منطبق بر نیازها و علایق و شخصیت افراد جامعه باشد. مهم‌ترین مراحل تربیت عبارت‌اند از: مرحله‌ی پرستاری، تأدیب، تعلیم، خودسازی.

نظریه‌های آموزش و تربیت. نظریه‌ی «کارکردگرایی¹» که از آن به‌عنوان نظریه‌ی «توافق»⁷ نیز یاد می‌کنند، نظام جامعه یا نهادهای آن را متشکل از اجزای هم‌بسته‌ای می‌داند که در پیوند تنگاتنگ با یکدیگر فعالیت می‌کند و هریک کارکرد لازم و معینی را برای گردش کار و بقای کل جامعه برعهده دارد. از این دیدگاه، طرز کار جامعه غالباً به‌طرز کار بدن انسان تشبیه می‌شود که در آن هریک از اعضای بدن، نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند و همه‌ی اعضا از لحاظ بقا، به‌یکدیگر بستگی دارند (توسلی، 1369: 211). از نظر کارکردگرایان نظام اجتماعی تعادل دارد (کوزر)، این امر موجب می‌شود که آن‌ها به وحدت اجزا اهمیت دهند. در نظر آنان، کل و اجزای تشکیل‌دهنده‌ی آن با یکدیگر درآمیخته، به وفاق رسیده و هویت واحدی پیدا کرده‌اند. این نگرش نسبت به زندگی اجتماعی برای الگوسازی، بسیار مناسب است؛ زیرا قدرت اصلی یک نظریه‌ی الگویی در این است که نشان دهد چگونه در یک کل، اجزای گوناگون به‌گونه‌ای ظریف باهم پیوند خورده و وحدت پیدا کرده‌اند. بنیان کارکردگرایی بر این واقعیت استوار است که دوام و بقای تمام سنن، مناسبات و نهادها و سازمان‌های اجتماعی به کار یا وظیفه‌ای بستگی دارد که در نظام اجتماعی برعهده دارند. آنچه مطرح است فایده و سودمندی آن‌ها در کل نظام است؛ زیرا مبادله را تسهیل می‌کنند تا تمام گروه‌ها و سازمان‌های درگیر از آن بهره‌جویند و حتی نهادهای موجود، اگر از لحاظ اقتصادی سودمند نباشند، از جهات غیراقتصادی سودمندند؛ یعنی در کل نظام، دارای کار و وظیفه‌اند (توسلی، 1369: 212).

بنابراین، می‌توان گفت: از نظر این دیدگاه، نظام آموزشی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های نظام جامعه تلقی می‌شود که کارکردهایی همچون انتقال فرهنگ و جامعه‌پذیری برای حفظ نظام اجتماعی دارد. در این زمینه، مسائلی مانند تربیت اخلاقی، انضباط، القای ارزش‌ها و آموزش حرفه‌ای از دیدگاه جامعه‌شناسان این مکتب، مهم قلمداد می‌شوند.

دوریم آموزش و پرورش را به عنوان امری اجتماعی و بخش مهمی از نظام اجتماعی می‌داند که باید همه‌ی آحاد اجتماعی را با توجه به هنجارهای اجتماعی تربیت کند تا نظم اجتماعی برقرار شود. او معتقد است که همه‌ی آحاد جامعه ملزم به آموزش و یادگیری راه و رسم زندگی اجتماعی جامعه‌ی خویش‌اند. از نظر او، آموزش و پرورش وسیله‌ی سازمان‌دهی خود فردی و خود اجتماعی (در دست گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است که) افراد به صورت یک موجود بانضباط درآیند که می‌توان آن را به «تشکیل شخصیت و تولد اجتماعی» تعبیر کرد (دوریم، 1956: 26).

دوریم معتقد است نظام آموزش و پرورش و جامعه باهم ارتباط و پیوند نزدیکی دارند و در هر جامعه‌ای متناسب با ساختارهای آن جامعه، نوعی نظام آموزش و پرورش خاص به وجود می‌آید؛ به همین دلیل، دوریم در بررسی و مطابقت ساختار آموزش و پرورش با ساختار جامعه، از دو نوع جامعه، مبتنی بر دو نوع هم‌بستگی خاص (مکانیکی یا ابتدایی و ارگانیکی یا مدرن) نام می‌برد و با توجه به این مقایسه، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که نظم اجتماعی در این دو جامعه چگونه میسر می‌شود.

به عقیده‌ی دوریم، در جامعه‌ی ابتدایی (با رسانه‌های سنتی) هر فرد به خودی-خود، رفتار دیگران را سرمشق قرار می‌دهد و در هر کاری به طرز ماشینی از دیگران پیروی کرده، به اعتقاد و آداب و رسوم، گردن می‌نهد؛ در نتیجه، یک سلسله روابط ساده بر رفتار اجتماعی حاکمیت یافته، جامعه را از هم‌بستگی برخوردار می‌سازد. در چنین جامعه‌ای آموزش و پرورش بدون قصد قبلی و هدف مشخص و بدون نقشه آگاهانه، از طریق خانواده و روابط رایج میان نسل بالغ و سالمند و نسل جوان و نارس، عملی می‌شود (دوریم، 1369)؛ اما در جوامع مبتنی بر روابط ارگانیکی (با رسانه‌های سنتی به علاوه رسانه‌های نوین)، ساختار اجتماعی، متحوّل شده و روابط پیچیده‌ای در سطح اجتماع ظاهر می‌شوند؛ به گونه‌ای که قراردادهای اجتماعی، جانشین اجبارها و الزامات قومی و خانوادگی می‌شوند؛ همچنین هنجارها و ارزش‌ها و باورهای سنتی روبه زوال رفته، در اینجا نیاز به یک نیروی حاکم احساس می‌شود که بتواند مانع ضعف و فتور اخلاقی شود که این امر، خود نیازمند نوعی وفاق اخلاقی است که به وسیله‌ی آن، در میان افراد جامعه حسّ وظیفه‌شناسی و وفاداری و همچنین همکاری اجتماعی و انضباط رفتاری پرورش یابد.

کاری که پلیس فعلی با تأکید بر آموزه‌های دینی و ملی انجام می‌دهد نمونه‌ای برای این موضوع است؛ به‌همین دلیل، اساس علمی جامعه‌ی ارگانیک‌ی مستلزم اذهان کاملاً پرورش‌یافته و تفکیک اجزا و امور آن مستلزم متوازن کردن توافق اخلاقی با تخصص فنی و آموزش علمی است؛ بنابراین، دوریم معتقد است: فقط دولت می‌تواند این وفاق اخلاقی را ایجاد کند و وسیله‌ی آن نیز در آموزش و پرورش و در درون سازمان‌های مختلف مانند ناجا، سازمان ناجا موجود است.

به عقیده‌ی وی با ایجاد نظام‌های آموزشی که مشخصه‌ی جامعه‌ی ارگانیک‌ی است. هریک از نهادهای اجتماعی دیگری که زمانی عهده‌دار کارکردهای آموزشی و پرورشی محسوب می‌شدند، از ایفای چنین وظایفی ناتوان شده‌اند؛ مثلاً، خانواده که در جامعه‌ی ساده، نقش تربیتی مهمی داشت، اینک به‌دلیل محدودیت امکانات نمی‌تواند وظایف پیچیده‌ی آموزش و پرورش را ایفا کند. علاوه بر این، جو عاطفی حاکم بر خانواده، عملکرد آن را با راه‌روسم معقولی که جامعه‌ی جدید می‌طلبد، مغایر می‌سازد.

در جوامع جدید، به‌دلیل پیچیدگی‌های روابط و تخصصی‌شدن کارکردهای نهادها و سازمان‌های اجتماعی - که بخشی از آن منبعث از رسانه‌های نوین است - نهادهای گذشته، نمی‌توانند نقش‌های پیچیده و گوناگون آموزش و پرورش را ایفا کنند؛ بنابراین، هدف دوریم و کارکردگراها از مطرح‌کردن آموزش و پرورش، به‌دست آوردن یکپارچگی و نظم است که این امر خود در هر جامعه‌ای و با توجه به ساختارهای حاکم بر آن متفاوت است. در جوامع نوین (با رسانه‌های نوین) که هم‌بستگی از نوع ارگانیک‌ی است، آموزش و پرورش از حالت سنتی خارج می‌شود و این رسالت به‌عهده‌ی نهادهای تخصصی، از جمله نهاد «آموزش و پرورش» (و البته به‌صورت تخصصی‌تر مانند پلیس) است که اداره‌ی آن به‌دست دولت بوده و هدف از آن تعلیم و تربیت افراد با توجه به نیازهای موجود در جامعه و برنامه‌ریزی‌هایی است که برای ایجاد یک جامعه همراه با نظم و تعادل انجام می‌گیرد.¹

1 - Durkheim, Emile (1956) Education and Sociology. theFree Press.

چالش و فرصت‌های پیش‌روی رسانه‌ها

انسان از بدو پیدایش به شکل‌های گوناگون به گسترش ارتباط خود با هم‌نوع، اندیشیده است و حاصل چالش وی با محیط و انسان‌های پیرامونش از شکل ارتباط رودررو به ارتباط از راه دور، ارتباط محدود به ارتباط جمعی و بالاخره ارتباط واقعی به ارتباط مجازی تبدیل شده است. پیدایش رسانه‌های جمعی¹ سبب پیدایش تئوری‌ها و مناسبات جدیدی در ارتباط انسان با انسان و انسان با ماشین (ارتباط واسط) شد. وسعت و سرعت نشر پیام‌های انسانی توأمان ممکن گشت و جهان به زعم عده‌ای (مانند مارشال مک لوهان) به سوی یک دهکده‌ی جهانی رهسپار شد. تا جایی که در دهه‌های گذشته با پیدایش «مثلث تلماتیک»، یعنی پیوند کامپیوتر، رسانه‌های جمعی و ارتباط از راه دور شیوه‌ی جدیدی از ارتباط پدیدار شد که هم ویژگی‌های رسانه‌های جمعی را داشت و هم برخی صفات خاص خود را به پدیده‌ی ارتباط افزود. پیدایش چنین ارتباطی سبب دگرگون‌شدن بسیاری از حوزه‌های زندگی اجتماعی، به‌ویژه آموزش و تربیت شده است.

صنعت رسانه‌های جمعی و رسانه‌های نوین مانند اینترنت، شبکه‌ی جهانی وسایل ارتباطی است که دستیابی به هرگونه اطلاعات بی‌پایان را در هر زمان و مکان، امکان‌پذیر می‌سازد؛ اما در ورای این شباهت‌های دو رسانه، تفاوت‌های عمده‌ی بسیاری نهفته است: برای نمونه در اینترنت و رسانه‌های نوین، هرکسی می‌تواند هر پیامی را انتشار دهد، در حالی که نشر از طریق رسانه‌های جمعی در کنترل مالکان آنهاست، دیگر این‌که طیف وسیعی از تفکرات عمومی (مطلوب و نامطلوب) در اینترنت یافت می‌شود؛ اما بحث و گفت‌وگو در رسانه‌های جمعی محدود و به‌طور حساب‌شده‌ی انعکاس جهان‌بینی مالکان است.

سوم آن، در رسانه‌های جمعی به‌غیر از مشارکت‌های داوطلبانه، مالکان محتوا و تولیدکنندگان محتوا نیز وجود دارند. به‌جای فهرست پستی رایگان، لینک‌های وب و کارگزاران داوطلب ارسال در اینترنت، توزیع‌کنندگان محتوا شامل شبکه‌های پخش، اپراتورهای کابلی، اپراتورهای ماهواره‌ای، سینماهای زنجیره‌ای و ویدئوکلپ‌ها و به‌جای مجموعه‌ی مخاطبان مشارکت‌کننده یا شبکه‌وندها، مصرف‌کنندگان رسانه‌های جمعی وجود دارند.

1 - Mass Media

در هر دو شبکه، محتوای اطلاعات، نشان‌دهنده‌ی منافع و علایق مالکان آن‌هاست. این موضوع در اینترنت به‌معنی این است که محتوا به وسعت جامعه است؛ اما در رسانه‌های جمعی، دیدگاه باریکی از محتوا نشان‌دهنده‌ی این حقیقت است که مالکیت رسانه‌های جمعی در بعد جهانی به‌صورت روزافزون به‌سوی متمرکز شدن در یک باند بزرگ از شرکت‌های درهم ادغام‌شده، پیش می‌رود.

بنابراین تربیت و آموزش در رسانه‌ها بیشتر در دست سازمان‌ها و نهادهای مسئول قرار دارد و آن‌ها کنترل بیشتری بر محتواهای تولید و پخش‌شده دارند. در حالی که سازمان‌ها (مانند پلیس) در رسانه‌های نوین نمی‌توانند چنین محدودیت‌ها و کنترل‌هایی بر کاربران و دانش‌پژوهان داشته باشند.

رسانه‌های جمعی در خدمت گفتمان، آموزش و دموکراسی مشارکتی نیستند و در عوض به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که تولیدات مورد نظر شرکت‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات را به مصرف‌کنندگان برسانند و از این طریق از پس افکار عمومی برآیند. درحالی که رویه‌ی اینترنت و رسانه‌های نوین بر امکان بالقوه‌ی فضای سایبر برای اتصال شهروندان به یکدیگر (و مردم به دولت و به عکس) به‌صورت مشارکتی استوار است. ممکن است در این وضعیت (همان‌گونه که مید و دوریم یادآور شدند) جای آموزش‌دهنده و آموزش-بیننده تا اندازه‌ی جابه‌جا شود.

صنعت رسانه‌های جمعی زیر سلطه‌ی شرکت‌ها، فضای سایبر را به‌مثابه یک نظام توزیع تولیدات و وسیله‌ای برای کنترل افکار و مملو از دروازه‌بانان مسلط و متعهد به ایدئولوژی می‌انگارد. استفاده یا مشارکت در فضاهای مجازی می‌تواند ضمن کاستن از انواع دروازه‌بانی‌ها، جایگاه سازمان‌های آموزش و تربیتی (مانند ناجا) را در جامعه محکم‌تر کند. پرواضح است که ورود به دنیای مجازی هم مستلزم سواد اطلاعاتی (از سوی پلیس و دانشجویان پلیس) و هم روحیه‌ی قرار گرفتن در چنین فضاهایی را می‌طلبد.

فناوری‌های جدید نه‌تنها تعامل، چندصدایی، تنوع، قابلیت دسترسی و حق انتخاب را به عرصه‌ی گفتمان غالب رسانه‌ای کشانده‌اند، بلکه این فرصت را برای هم‌رسانه‌های همگانی و هم‌گروه‌ها و سازمان‌های علاقه‌مند به این‌گونه رسانه‌ها فراهم کرده‌اند که به منابع متنوع، گسترده و سهل‌الوصول در مقیاس جهانی دسترسی داشته باشند. بر این

اساس، آن‌ها گفتمان تک‌گفتار و اقتدارگرایی رسانه‌های همگانی را به حاشیه رانده و فضای روزنامه‌نگاری سنتی را دموکراتیک‌تر می‌سازند. این همان چیزی است که ناجا به‌عنوان رویکرد پلیس اجتماع‌محور به آن نیاز دارد.

در عین حال، هدف بسیاری از سایت‌های اینترنتی، امروزه روشن کردن زوایای پنهان اطلاعاتی است که توسط سایر انواع رسانه‌های جمعی منتشر می‌شوند. در واقع، این رسانه‌ها مخاطبان بسیاری را از این طریق جلب می‌کنند. این امر اگرچه مفید، اما خطرناک است؛ زیرا در درازمدت موجبات پذیرش هرگونه اطلاعات - درست یا نادرست - را نزد مخاطبان (به‌ویژه جوان) ایجاد کرده، همچنین زمینه‌ی پذیرش هرگونه شایعه و اطلاعات نادرست نیز فراهم می‌شود. یکی از پرسش‌های اساسی در این باره آن است که: پلیس در این گونه مواقع چه باید بکند؟

شایعه‌ها زمانی رواج می‌یابند که خبرهای صریح، به‌هنگام و در گستره‌ای وسیع پخش نشود و یا این‌که اطلاعات داده‌شده به کاربران، مبهم و ناقص باشند. این ابهام، زمانی به‌وجود می‌آید که خبر به‌صورت تحریف‌شده یا تکه‌تکه دریافت شود، یا به فرد، خبرهای متضادی برسد. پلیس سازمانی است که می‌تواند در این خصوص بسیار اثرگذار باشد؛ چه به جهت تعلیم (به‌گونه‌ای اطلاعات بدهد که مشکلات یادشده بروز نکند) و چه به سبب این‌که یکی از منابع یا مرکز مهم تولید و توضیح اطلاعات امنیتی، انتظامی و اجتماعی است.

چالش‌ها

نخست این‌که جایگاه رسانه‌های نوین در ارتباط با مالکیت و کاربرد، چندان مشخص و دقیق نیست. در بسیاری از سایت‌ها، وبلاگ‌ها، شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های اجتماعی مالکیت مشخصی برای پیگیری تولیدات وجود ندارد.

دوم، نه‌فقط مالکیت آن‌ها چندان واضح و مشخص نیست که دسترسی به آن‌ها خیلی راحت بوده و در مقابل محتوا و گردش اطلاعات تا اندازه‌ی زیادی غیرقابل کنترل است. به خلاف رسانه‌های سنتی، ارتباط مجازی و نوین در یک الگوی عمودی یا مرکزی از «بالا» یا «مرکز» جامعه به گردش در نمی‌آید. دولت و قانون آن‌طور که در مورد

«رسانه‌های قدیمی» وجود داشت و کنترل می‌کرد، اینترنت و رسانه‌های نوین را نظارت نمی‌کند و تحت قانون در نمی‌آورد.

سوم، هم‌اکنون برای فرستنده، گیرنده، مخاطب یا شرکت‌کننده در یک تبادل شبکه‌ای برای دسترسی به اطلاعات، تساوی بیشتری به‌وجود آمده است. هریک از کاربران می‌توانند بسته به نیازها، توانایی‌ها، قابلیت‌ها و... اطلاعات مورد نیاز خود را دریافت دارند، اگرچه تا مشخص شدن مقدار آزادی موجود برای «مجراهای» جدید، راه زیادی در پیش است. با پیدایش رسانه‌های جدیدتر مانند ویدئو، بازی‌های رایانه‌ای و اینترنت، شاهد افزایش بیشتر انتشار تصاویر به‌شدت خشن و بدون حدودمرز در بیشتر کشورهای دنیا از جمله کشور خودمان هستیم. برنامه‌های ویدئویی، صحنه‌های واقعی شکنجه، حتی قتل را به نمایش می‌گذارند. بازی‌های رایانه‌ای، کودک را قادر می‌سازد که فعالانه، قطع اعضای بدن دشمن را شبیه‌سازی کند و اینترنت، گذشته از مزایای مثبت اجتماعی‌اش، به عرصه‌ای برای هرزه‌نگاری، تبلیغ روش‌های خشن و آموزش‌های تروریستی تبدیل شده است. با پیدایش فناوری‌های خودکار و اخیراً دیجیتالی، هر برنامه‌ای به‌طور بالقوه، جهانی شده است. نه‌تنها اخبار و گزارش‌های رسانه‌ای تقریباً به هر نقطه‌ای از جهان می‌رسند، سرگرمی‌های گروهی رسانه‌ای نیز به یک تجارت بین‌المللی تبدیل شده است.

چهارم این‌که به‌نظر می‌رسد با گسترش رسانه‌های اجتماعی، مؤلفه‌هایی چون رهبری، ایدئولوژی و بسیج سیاسی به‌شکل مرسوم و متعارف تحت هدایت حزبی سیاسی، مفهوم و کارکرد خود را از دست خواهد داد و شبکه‌های ارتباطی مجازی چنین نقش‌هایی را به‌عهده خواهد گرفت. به‌طبع رویکردها و اهداف چنین جنبش‌ها و انقلاب‌های متأثر از فناوری نوین و دیجیتالی‌یزم (کاستلز، 1380)؛ اعم از این‌که به انقلاب‌های سیاسی منجر بشوند یا نشوند، ابعاد و وجوه تازه‌ای خواهد یافت و با قالب‌ها و درون‌مایه‌های تازه‌ای عرضه خواهند شد. مقابله و رویارویی با چنین پدیده‌های پیچیده‌ای - که برخی معتقدند می‌تواند امنیت، آسایش عمومی و موجودیت یک جامعه را به مخاطره اندازد - نیازمند برخورداری از دانش و معرفت اطلاعاتی و ارتباطی است که پلیس، آن‌ها را باید بیاموزد.

یافته‌ی دیگر درباره‌ی رسانه‌های جدید، آن است که ظهور رسانه‌های اجتماعی، مانند شبکه‌های ارتباطی واسط و جامعه‌ی الکترونیک، فضاهای بدون مرزی را در اینترنت، به‌خلاف دنیای واقعی، روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است (محسنی، 1380: 271). ساختارهایی چون سن، جنس، طبقه‌ی اجتماعی، نژاد و قوم، ناتوانی فیزیکی، جذابیت که در دنیای واقعی قابل رویت بودند، در تعاملات با واسطه‌ی کامپیوتری برای تمامی افراد شبکه یکسان و مساوی می‌شود (به‌احدزاده، 1391 رجوع کنید)؛ از این‌رو انتظارات برای رفتار با تأکید بر عوامل فوق، کاهش می‌یابد و آزادی‌ها بیشتر می‌شود. همچنین گم‌نامی افراد به‌هنگام کنش در فضای مجازی، آن‌ها را از ایفای نقش‌های سنتی، آزاد می‌سازد. این گم‌نامی همچنین امکان مخالفت با گروه‌های اصلی و مسلط جامعه را نیز آسان‌تر می‌کند (دوران، 1384). مقابله با چنین وضعیتی نیازمند پلیسی کارآمد در حوزه‌ی ارتباطات نوین است.

پنجم، همان‌گونه که مارگارت‌مید یادآور شده، بسیاری از جنبه‌های آموزش و جامعه‌پذیری در دوره‌ی ماقبل پیکربندی دچار دگرگونی خواهد شد (که شده است) و سازمان‌ها و گروه‌های آموزش‌دهنده که دوریم نیز بدان‌ها اشاره کرده، دچار تغییر و اختلال خواهند شد. این به معنای پذیرش دگرگونی از سوی سازمان‌های فوق (که پلیس نیز یکی از آن‌هاست) است. این سازمان‌ها اگر نتوانند خود را با شرایط متحول جدید منطبق سازند، به‌طور قطع با مشکلات زیادی مواجه خواهند شد؛ برای نمونه، سازمان پلیس نه‌تنها ناگذیر از پذیرش شرایط به‌وجود آمده است، بلکه تغییر برخی متون درسی، سرفصل‌ها و افزودن برخی دروس به برنامه‌های درسی رسته‌های مختلف پلیس، به‌ویژه پلیس اطلاعات، حفاظت، انتظامی و... الزامی است. پلیس‌ها در دوره‌ی حاضر نیازمند فراگیری سواد اطلاعاتی با تأکید به ظهور رسانه‌های نوین‌اند. پلیس‌های جدید نه‌فقط باید بتوانند اطلاعات مناسبی در مورد رسانه‌های نوین داشته باشند که بتوانند با انواع انحرافات¹ اینترنتی، آسیب‌ها و جرایم مقابله کنند.

جرایم رایانه‌ای و اینترنتی که (پلیس‌ها باید آن‌ها را بشناسند و در کشف آن‌ها مهارت پیدا کنند) بر دو نوع کلی است: در تعریف محدود، جرمی که در فضای مجازی

1- Deviation

(سایبر) رخ می‌دهد¹، جرم رایانه‌ای است و براساس این دیدگاه، اگر رایانه ابزار و وسیله‌ای ارتکاب جرم باشد، آن جرم را نمی‌توان در زمره‌ی جرایم رایانه‌ای قلمداد کرد. در تعریف گسترده‌تر، هر فعل یا ترک فعلی که «در» یا «از طریق» یا «به کمک سیستم‌های رایانه‌ای و اینترنتی» رخ می‌دهند و ناقض قوانین (و نه لزوماً ناقض اخلاق) یک جامعه است، جرم رایانه‌ای و اینترنتی محسوب می‌شود. از این دیدگاه جرایم به سه دسته تقسیم می‌شوند:

1. رایانه‌ی موضوع جرم: در این دسته از جرایم رایانه و تجهیزات رایانه‌ای، موضوع، جرایم سنتی (کلاسیک) مثل سرقت، تخریب تجهیزات و ... است.
2. رایانه‌ی واسطه‌ی جرم: رایانه، وسیله و ابزار ارتکاب جرم است و از آن برای جعل مدرک، گواهینامه و ... استفاده می‌شود.
3. جرایم محض رایانه‌ای: دسته‌ی سوم جرایم محض، جرایمی مانند هک یا ویروسی - کردن است که صرفاً در فضای سایبر (مجازی) اتفاق می‌افتد².

برخی مصادیق این جرایم عبارت‌اند از: دزدی، کلاهبرداری، ضررهای الکترونیکی، سوءاستفاده‌های جنسی از کودکان و زنان، آزار و اذیت جنسی³، پورنوگرافی⁴، قماربازی اینترنتی⁵، ارسال نامه‌های تهدیدآمیز و تصاویر مستهجن، کپی غیرمجاز فیلم و اطلاعات، ورود غیرمجاز به شبکه‌های رایانه‌ای و پخش ویروس، تبلیغات ضددینی و ضدقومی، استفاده‌ی تقلبی از کارت اعتبار⁶، تجارت تقلبی⁷، تروریسم مجازی⁸ (صادق‌ی فساد و محمدی، 1384؛ معظمی 1383؛ عبقری 1377). جرایم اینترنتی، ویژگی‌های مهمی دارند که برخی از آن‌ها به این قرار است: تفاوت ماهوی داشتن با جرایم فیزیکی، تغییرات سریع (زیبر 1384: 16)، غالباً نامحسوس بودن (آی کاو و همکاران، 1383: 233)، به سبب پیچیدگی و چند وجهی بودن، فرایندهای کشف و پیشگیری آن‌ها بسیار

1 - جرائم رایانه ای و اینترنتی را گاه با عنوان جرائم سایبری (cyber crime) or syber space crime نیز نامیده‌اند (رضوی، 1386).

2 - <http://iran-newstoday.blogspot.com>

3 - Cyberstalking

4 - Pornography

5 - Internet Gambling

6 - Credit Card Fraud

7 - Rip-Off Trading

8 - Cyberterroism

مشکل و طاقت‌فرساست (آی کاو و همکاران، 1383: 149؛ رضوی، 1386؛ دهقان، 1384؛ راودراد، 1384) و سطوح متنوعی داشتن (دهقان، 1384).

یکی از مشکلات پلیس‌ها درخصوص رسانه‌های نوین، آن است که میزان جرایم، ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اینترنتی در جهان، طی ده سال گذشته (دهقان، 1384؛ زیبر، 1384: 61؛ رضوی، 1386؛ گروهی از نویسندگان، 1382: 1) نه تنها افزایش یافته که به یکی از مشکلات جدی جوامع و دولت‌ها (آی کاو و همکاران، 1383: 57؛ عبداللهیان، 1384²) بدل شده است. برنز و بیکر در تازه‌ترین پژوهش خود در دانشگاه تگزاس با پرسش از هفتصد نفر از مأموران پلیس به این نتیجه رسید که جرایم اینترنتی، جدی است (عبداللهیان، 1384). تحقیقات اکتشافی نگارنده از افسران پلیس نشان می‌دهد که بیش از هفتاد درصد پرسش‌شوندگان (در مقابل این پرسش که جرایم اینترنتی تاچه اندازه جدی و خطرناک شده است)، جرایم اینترنتی در کشورمان را (در شهرهای بزرگ) جدی ارزیابی کرده‌اند. موضوع فوق، زمانی برای پلیس‌ها پیچیده‌تر می‌شود که بدانیم چالش‌های فنی و قضایی گوناگونی در جهان و در ایران در حوزه‌ی پیشگیری، کشف و رسیدگی به جرایم اینترنتی (از مشکلاتی که در ارایه‌ی تعریفی واحد از جرایم و ناهنجاری‌های اینترنتی تا نبود تخصص فنی و قانونی برای مراجع قضایی در اثبات و کشف جرم اینترنتی و بین‌المللی شدن آن) رخ داده است (دزیانی 1381؛ زیبر، 1384: 68؛ آی کاو و همکاران، 1383: 42 و 149؛ رضوی، 1386؛ دهقان، 1384؛ راودراد 1384).

برخی دیگر از چالش‌ها به قرار زیر است:

1. نبود آمادگی کامل پلیس برای بهره‌برداری مناسب از فناوری‌های نوین؛
2. نبود نگرش مثبت برخی اساتید به استفاده از فناوری اطلاعات در کلاس‌های درس؛
3. کمی توجه به افزایش رشد و توانمندی متریبان و نقش تفکر فناورانه در بهبود کیفیت زندگی؛
4. تقویت نگرش مثبت مدیران و مسئولان ناجا نسبت به بهره‌گیری از فناوری اطلاعات در ناجا؛

1 - H://Internet and pathology/what is internet fraud.tml

2 - <http://usinfo.state.gov/> <http://iran-newstoday.blogspot.com>

5. تغییر در شیوه‌ها و راهبردهای سنتی جریان یاددهی یادگیری در نظام آموزش و تربیت به سمت استفاده از فناوری اطلاعات؛
6. عدم تغییر نگرش نسبت به نقش مربیان در زمان استفاده از فناوری اطلاعات در تدریس؛
7. برداشت نادرست مراکز آموزشی سنتی نسبت به نقش فناوری اطلاعات (ناسازگاری نوآورانه با فناوری‌های نوین) به دلیل ناآشنایی با قابلیت و توانایی‌های رسانه‌های نوین؛
8. عدم تغییر به‌هنگام و با سرعت محتوای آموزشی و کتاب‌های درسی متناسب با محیط‌های یادگیری الکترونیکی؛
9. ارتقا نیافتن آگاهی تخصصی مربیان، متناسب با تغییرات روزافزون در فناوری‌های نوین؛
10. ناسازگاری با این نوآوری از سوی مدیران، مدیران ارشد، معاونان، مربیان و سایر افراد دخیل در آموزش؛
11. تناسب نداشتن کافی امکانات و تجهیزات با فناوری‌های اطلاعات؛
12. مشکلات ساختاری و فرهنگی بر سر راه تأسیس مراکز هوشمند؛
13. عدم تعامل کامل نهادهای آموزشی برای به‌کارگیری فناوری اطلاعات؛
14. بهره نگرفتن از راهکارهایی برای افزایش انگیزه و رغبت مربیان در استفاده از این فناوری‌ها در امر تدریس؛
15. نگاه ابزاری به فناوری و نه نگاه به‌عنوان هدف.

فرصت‌ها

یکی از پرسش‌های مهمی که «مک کوایل» در خصوص رسانه‌های نوین طرح می‌کند این است: آیا رسانه‌های نوین نیرویی برای تجزیه در جامعه به‌شمار می‌آیند و یا باعث به‌هم پیوستگی هستند؟ وی در پاسخ به نقل از اسلوین¹ می‌گوید: اگرچه، شکل بنیادین

1 - Slevin

اینترنت در جامعه و استفاده‌هایی که از آن می‌شود عمدتاً به آثار تجزیه‌کننده‌ی اجتماعی اشاره می‌کند (مانند انزوای اجتماعی و گسترش جرایم)؛ اما به این سبب که اینترنت راه را برای روابط شبکه‌های جدید و وابسته باز می‌کند، پیونددهنده و الزامی به نظر می‌رسد (اسلوین، 2000).

راسموسن¹ با اشاره به مدل مدرن‌سازی گیدنز (1991) این‌گونه بحث می‌کند که رسانه‌های نوین از نظر کیفی آثار متفاوتی را بر جامعه می‌گذارند. کمک اصلی که آن‌ها می‌کنند این است که فاصله‌ی در حال گسترش بین جهان خصوصی و عمومی و جهان نظام‌ها و سازمان‌ها را پرمی‌کنند. این فاصله شاید در اثر بزرگ‌راه‌های جدید الکترونیکی در حال افزایش باشد (راسموسن، 2000:160).

در زمینه‌ی توانایی تغییر اجتماعی، توانایی ارتباطات و رسانه‌های نوین به‌عنوان مأمور تغییرات برنامه‌ریزی‌شده‌ی اجتماعی یا اقتصادی باید مورد سنجش دوباره قرار گیرد. در نگاه نخست، باید بین رسانه‌های جمعی که می‌توان به‌شکلی نظام‌مند آن‌ها را برای توسعه‌ی طرح‌ریزی‌شده از طریق اطلاع‌رسانی و تاثیرگذاری جمعی به‌کار گرفت (مثلاً آموزش بهداشت، سلامت، ترک اعتیاد و جمعیت و برنامه‌های مبتکرانه‌ی فنی) با استفاده‌های غیرهدفمند و باز که از خصیصه‌های تکنولوژی‌های نوین هستند، فرق گذاشت.

در حال، شاید رسانه‌هایی که مشارکت بیشتری دارند برای ایجاد تغییرات، مناسب‌تر باشند؛ زیرا علاوه بر انعطاف‌پذیری، اطلاعات غنی‌تری می‌دهند. این موضوع با فرایند پیشرفته‌تر تغییر سازگارتر است. همچنین برخی از رسانه‌های نوین وابستگی کمتری به زیرساخت‌ها دارند. در حال، مشکل نه در سرشت تکنولوژی که در محدودیت‌های دسترسی مداوم، قابل جست‌وجوست. فرایند «توسعه» شاید هنوز هم باید مقدم بر «گسترش» رسانه‌های نوین قرار گیرد. همان‌گونه که رسانه‌های سنتی نیز برای اثرگذاری می‌بایست مخاطب می‌داشتند. اگرچه دلایل فراوان اجتماعی و فرهنگی برای داشتن مکانی ثابت به‌منظور فعالیت‌های ارتباطی وجود دارد، با این وصف، تکنولوژی‌های نوین، ما را از تمام محدودیت‌ها رهایی داده است. البته همان‌گونه که هالوویس² و کاستلز یادآور می‌شود، اینترنت علی‌رغم فقدان وضوح در مرزها و جبهه‌ها،

1 - Rasmussen

2 - Halavais

هنوز به‌شکل گسترده و وابسته به قلمروهایی است؛ به‌ویژه مرزهای ملی و زبان‌شناختی (مک کوایل به نقل از هالوویس، 2000؛ کاستلز، 1380).

«کارین کراس»¹ معتقد است که رسانه‌های نوین مانند اینترنت، امکان گردش عقاید در بین مخاطبان گسترده‌ای را فراهم می‌سازد و در نتیجه به کارآفرینانی که ایده‌های خوب دارند، کمک می‌کند تا آنان سرمایه‌ی مورد نیاز و تخصص خود را به خدمات و محصولات قابل عرضه در بازار تبدیل کنند. «اسپرول» و «کیسلر»² معتقدند که فناوری‌های اینترنتی ممکن است به کاهش اختلاف طبقاتی کمک کند. مور³، اتریونی⁴ و شوارتز⁵ این موضوع را یادآور شدند که استفاده از اینترنت، قدرت نخبگان سنتی، که اطلاعات را به‌صورت انحصاری درآورده بودند، را تضعیف کرده، در عوض شکل‌های جالب و جدیدی از ارتباط را ایجاد می‌کند که خود بر فعال‌شدن بیشتر شهروندان می‌افزاید؛ و بالاخره «دیزارد» و «فیشکین»⁶ نیز معتقد بودند که فضای مجازی درکل، جامعه‌ی اندیشمند را ترغیب می‌کند تا اندیشه‌های نو و جدیدی تولید نماید⁷ (دوران، 1386).

در یک نتیجه‌گیری اجمالی می‌توان گفت که هرچند استفاده از رسانه‌های نوین در تمامی عرصه‌های فردی و اجتماعی به‌سرعت و در سطحی گسترده رواج یافته و معادلات اجتماعی را دگرگون ساخته، هنوز بسیار زود است که درباره‌ی نقش و کارکردهای اجتماعی درازمدت آن‌ها نتیجه‌گیری کرد. بیشتر آرا و اندیشه‌های موجود درباره‌ی حسن و قبح و کیفیت و کمیت اثرگذاری رسانه‌های نوین بر مخاطبان و کاربران، در بهترین حالت یک فرضیه هستند؛ حتی ممکن است تمامی یا بیشتر آن نظریه‌ها در شرایطی خاص درست باشند. مک کوایل در این باره می‌گوید: با وجود این که بنیاد همه‌ی مطالعات ارتباطی بر این فرض اولیه استوار است که به‌هر حال، رسانه‌ها تأثیراتی دارند، جالب است که در مورد این فرض، کمترین یقین و حداقل‌ترین اتفاق نظر وجود دارد. مضافاً این که در میزان، وقوع و نوع تأثیر رسانه‌ها شک و تردیدهای بسیاری وجود دارد و دانش ما در این باره ناقص‌تر از آن است که به‌جز ساده‌ترین

1 - Cairncross (1997)

2 - Sproull & Kiesler (1992)

3 - Moore (1987)

4 - Etzioni (1997)

5 - Schwartz (1996)

6 - Dizard & Fishkin (2-1997)

7- www.hamshahronline.ir/News

پیش‌بینی‌ها در مورد وقوع تأثیری خاص در موردی معین سخنی بتوان گفت (مک کوایل، 1385: 353-4).

موضوع مسلم این است که اینترنت زمینه‌ی اجتماعی جداگانه و متمایزی نیست که بتوان در مورد آن به صورت مجزا مطالعه کرد. اینترنت و گروه‌های استفاده‌کننده از آن تابعی از اوضاع و احوال اجتماعی است (آرون، 1380: 390)؛ به عبارت دیگر، ارزیابی دقیق استفاده از اینترنت همچون تمامی پدیده‌های اجتماعی موکول به آگاهی از شرایط اجتماعی و گذر زمان است (دوران، 1386). این گزاره می‌خواهد بگوید که نیروهای اجتماعی یا جمعی، به معنای خاص کلمه، وجود دارند که از تمامی گروه یا جامعه ناشی می‌شوند (آرون، 1380: 390).

نتیجه‌گیری

ما در این مقاله سعی کردیم تا ضمن نشان‌دادن اهمیت و جایگاه رسانه‌های نوین در فرهنگ جدید، نقش آن‌ها را به‌ویژه در امر تربیت، آموزش و جامعه‌پذیری جدید بازگوییم. در این بین به تعریف رسانه‌های نوین و نظریه‌های مختلفی که درباره‌ی آن‌ها وجود داشته، اشاره کردیم. از روش و فنونی که می‌توان با استفاده از آن‌ها بیشترین کارآمدی را در آموزش و تربیت جوانان داشت، صحبت کردیم. جوانب و پیامدهای مثبت و منفی رسانه‌های نوین را بررسی کردیم؛ اما در هنگام بحث درباره‌ی جوانان و فناوری‌های نوین ارتباطی، چشم‌پوشی از این واقعیت که جوانان امروز هم‌زمان در چندین عالم زندگی می‌کنند، امکان‌پذیر نیست. از یک‌سو آن‌ها مجبور به مقابله با دامنه‌ی گسترده‌ای از مشکلات مختلف در حوزه‌ی معیشت و انطباق با محیط اطراف‌اند و هم‌زمان با آن برخی از جوانان در سخت‌ترین شرایط برای یافتن کار و تحصیل مبارزه می‌کنند و گروهی دیگر در اتاق خود به گپ‌زنی اینترنتی برای کسب هویت و یافتن چیزهایی مشغول‌اند که فکر می‌کنند در واقعیت وجود ندارد و در کنار همه‌ی این‌ها گروهی دیگر وجود دارند که تلاش می‌کنند هرطوری که هست از اقتدار خانواده بر روی خود فرار کنند.

کلنر (1995) معتقد است که اگر همه‌ی این‌ها را به کناری نهمیم، جوانان امروز با عرصه‌ی جهانی مواجه‌اند. فرهنگ جهانی رسانه‌ها، برای آن‌ها نماینده‌ی یک قدرت متحدساز و نوعی آموزش و تربیت فرهنگی است که به آن‌ها می‌آموزد چگونه مصرف

کنند؟ چگونه رفتار نمایند؟ به چه چیزی فکر کنند؟ احساسات‌شان چگونه باشد یا چگونه آن را کنترل کنند؟ به چه اعتقاد داشته باشند، از چه بترسند و به چه چیزهایی تمایل داشته باشند؟ (سورنتا، 2002)¹.

امروزه، فرهنگ منبعث از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات نوین، تنظیماتی را به‌وجود آورده که طی آن بسیاری از شیوه‌های مرسوم آموزش، تربیت و جامعه‌پذیری در جوامع مختلف دست‌خوش دگرگونی شده و حداقل تاحدی با شیوه‌های جدید جایگزین شده است. عقاید در این‌باره متفاوت است؛ اما می‌توان ادعا کرد که در دنیای امروز، فرهنگ رسانه‌ای و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات نوین توانسته نیروی تربیتی و جامعه‌پذیری قوی‌تری نسبت به خانه یا مدرسه تشکیل دهد. این همان درس اصلی تاریخ اجتماعی فناوری است. به این معنا که ما محیط‌های تکنولوژیکی را می‌آفرینیم و آن‌ها در عوض، ما و شخصیت و هویت ما را شکل می‌دهند. در این شرایط می‌توان تصور کرد که طول عمر یک انسان و شرایط عمومی زندگی وی تا به چه اندازه، محصول زمان و مکان تولدش است و یا به آن بستگی دارد؛ بنابراین به جرأت می‌توان گفت که ظهور و گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، یک پدیده‌ی فرهنگی است.

زمانی مارگارت‌مید (1970) فرهنگ را با تأکید بر تربیت و جامعه‌پذیری به سه بخش اساسی دسته‌بندی کرد: پس‌اپیکربندی²، پیکربندی‌شده³ و ماقبل پیکربندی⁴.

1. در یک فرهنگ پس‌اپیکربندی آموزش، تربیت و جامعه‌پذیری از نسل بزرگ‌تر به نسل جوان‌تر منتقل می‌شود.

2. در یک فرهنگ پیکربندی‌شده، افراد از هم‌سن و سال‌های خود نیز چیز فرامی‌گیرند و آموزش و تربیت رسمی چندمنظوره را شکل می‌دهند.

3. در یک فرهنگ ماقبل پیکربندی، سمت‌وسوی تربیت و جامعه‌پذیری چنان تغییر می‌یابد که نسل جوان‌تر ممکن است نسل بزرگ‌تر از خود را در مورد کیفیت در یک وضعیت فرهنگی جدید آموزش داده یا تربیت کند.

1 - سورنتا، سوها (2002) جوانان و فناوری اطلاعات و ارتباطات. بهزاد دوران. تهران: زیتون.

2 - Postfigurative

3 - Con figurative

4 - Prefigurative

شاید باید مهم‌ترین عامل چنین وضعیتی را سرعت در تغییرات فرهنگی منبعث از رسانه‌های نوین دانست؛ بنابراین، تغییرات روزافزون فرهنگی (تا اندازه‌ی زیادی تأثیر پذیرفته از رسانه‌های نوین) به‌عنوان مبنایی برای جامعه‌پذیری دو طرف عمل می‌کنند. بدین شکل که نوجوانان و جوانان از یکدیگر و از والدین و مدرسه درس آموخته و امکان این نیز وجود دارد که بتوان از نوجوانان و جوانان چیز(هایی) آموخت.

امروزه، جوانان فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات نوین را برای مشارکت و تکمیل مهارت‌های آموزشی رسمی و غیررسمی خود نه‌فقط به‌کار می‌گیرند که به آن اعتماد دارند. این مهارت‌ها ممکن است از جست‌وجو در بانک‌های اطلاعاتی تا گشت‌وگذار اینترنتی، گپ آنلاین، شرکت در درس مجازی، ادامه‌ی تحصیل، انجام پروژه‌های سازمانی مختلف که آموزش از راه دور است، متفاوت باشد.

فرصت‌های آموزشی بی‌سابقه‌ای که امروزه رسانه‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی در اختیار سازمان‌ها، گروه‌ها و جوانان قرار می‌دهد، بسیار جالب و درعین‌حال خیره‌کننده است. حتی گپ اینترنتی که شاید در ابتدا بسیار بی‌ارزش به‌نظر برسد، نوعی تمرین تعامل و ارتباط با دیگران (برای افراد خجالتی و کمرو) بدون مرزبندی‌هاست.

اگرچه ممکن است رسانه‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی به‌سبب ترویج کالاها، مواد مختلف و محتواها (ی حتی غیراخلاقی و ضد امنیتی) جوانان را به افرادی مصرف‌کننده وادارند، برای آن‌ها همچنین فرصت‌های شغلی و حرفه‌ای، اطلاعات باارزش، ایده‌های نو و... درخصوص موضوعات مختلف در اختیار جوانان و سایر افراد قرار می‌دهد.

در کنار بسیاری از اظهارات ضدونقیض مثبت و منفی (مانند افول روابط پایدار قابل اعتماد تا شکل‌گیری روابط جدید مجازی)، درخصوص پیامدهای رسانه‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی با تأکید بر آموزش، تربیت و جامعه‌پذیری، «مارگارتمید» با خوش-بینی خاصی اعلام می‌دارد که عصر جدید ماقبل پیکربندی، بذر تغییر برای یک آینده‌ی بهتر را در خود دارد. به عقیده‌ی وی عصر جدید به چندین تغییر در روابط اجتماعی میان مردم نیاز دارد. در عصر جدید، فرایند آموزش و تربیت معکوس شده است. برای نخستین‌بار در طول تاریخ بشریت، کودکان، نوجوانان و جوانان فرصت و مسئولیت

یافته‌اند تا به آموزگاران، معلمان، مربی‌ها، والدین و هر بزرگسال دیگری که نقش مربی آن‌ها را داشته؛ راه رسیدن به آینده را بیاموزند.

در این خصوص وی تقاضا می‌کند که ما نیز به‌عنوان بزرگسال (مسئول یا مربی جوانان) باید بیاموزیم که نگرش‌ها و رفتارهای خود را تغییر (تعدیل) داده و روش‌های قدیمی تفکر را بازبینی کنیم تا این‌که بتوانیم (هم به درک آنچه جوانان می‌گویند، می‌کنند و می‌خواهند نزدیک شویم) و هم ذهن‌مان را برای پذیرش ایده‌های جدید تولیدشده توسط نسل جوان آماده‌تر کنیم. به‌نظر می‌رسد که در عصر فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، تنها با بسط تفکرات و روش‌های جدید برقراری ارتباط با مردم و جوانان می‌توان روش‌های مقابله و رویارویی با آن را (لااقل برای کسانی که مایل به چنین کاری‌اند) فراهم آورد.

همان‌گونه که مید معتقد بوده، به‌نظر می‌آید که توسعه و تکامل فرهنگ (در عصر رسانه‌های نوین) و یافتن روش‌های جدید تربیت به گفت‌وگوی مستمر میان نسل‌های جوان و بزرگسال بستگی دارد. گفت‌وگوهایی که می‌تواند محتواها و اشکال مختلفی به خود بگیرد. اگرچه ارتباطات و تعاملات راه دور نمی‌تواند جای روابط چهره به چهره را بگیرد، اما استفاده از فناوری‌های نوین یکی از این اشکال است. فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی به‌گونه‌ای غیرقابل‌باور می‌تواند بسیاری از پیام‌ها را بهتر، سریع‌تر، ارزان‌تر و به‌هنگام‌تر به بخش عظیمی از جوانان و مخاطبان مختلف برساند؛ از این‌رو بسیار ضروری است که نسل‌های گذشته و بزرگان (علم و ادب و تربیت)، مهارت‌های کاربری رسانه‌های فوق را برای ایجاد ارتباط (های رسمی و غیررسمی) و تسریع آموزش و تربیت بیاموزند.

پیشنهادهات

یکی از راه‌های مؤثر در روابط پلیس و رسانه‌ها آموزش است. آشنا کردن نمایندگان رسانه‌ها با وضعیت پلیس و دعوت از آن‌ها برای قرارگرفتن در موقعیت‌های کاری پلیس مثلاً در کلانتری، پاسگاه و یا گشت می‌تواند در بالابردن درک بیشتر رسانه‌ها از انجام وظیفه‌ی دشوار پلیس کمک کند و افسران پلیس نیز می‌توانند بیشتر در مورد رسانه‌ها و

مأموریت آن‌ها آشنا شوند و متوجه می‌شوند که رسانه‌ها در انجام وظایف خود، یعنی تهیه‌ی خبر و گزارش‌گری، با یکدیگر رقابت می‌کنند.

اگر رسانه‌ها ببینند که پلیس چگونه باید از پس وظایف دشوار خود در شرایط مختلف جغرافیایی در کشور برآید، بهتر می‌توانند با پلیس ارتباط برقرار کنند. روابط خوب با رسانه‌ها و اصحاب رسانه (چه در فضای واقعی و چه در فضای مجازی) بهترین سرمایه‌گذاری است که مسئولان نیروی انتظامی می‌توانند از طریق آن در جذب مقبولیت و مشروعیت بیشتر اقدام کنند. تربیت برخی افسران به‌عنوان مسئول روابط عمومی به‌منظور ارتباط با رسانه‌های سنتی و نوین، می‌تواند در ایجاد ارتباط مؤثر با کاربران تأثیرگذار باشد.

برگزاری جلسات منظم ماهیانه با اصحاب رسانه، کاربران، وبلاگ‌نویسان و مسئولان سایت‌های اینترنتی در مکان‌هایی نظیر هتل‌ها یا رستوران برای صرف صبحانه و یا ناهار و بحث و گفت‌وگو درخصوص انواع محتوا و تولیدات می‌تواند فرصتی برای پلیس در ارتقای جایگاه پلیس باشد. ارتباط مناسب یگان‌های اجرایی نظیر کلانتری و پاسگاه با اصحاب رسانه، کاربران، وبلاگ‌نویسان و مسئولان سایت‌های اینترنتی باید به‌طور مرتب برقرار باشد و رؤسای کلانتری‌ها و یگان‌های اجرایی و یا لاقلاً برخی افسران در زمینه‌ی نحوه‌ی مصاحبه، تعامل و همکاری‌ها با رسانه‌ها آموزش ببینند.

در حوادث مختلف (به‌ویژه حوادث خاص و به‌خصوص مرتبط با رسانه‌های نوین) مأمورانی که به‌طور مستقیم با حادثه در زمینه‌ی انجام وظیفه مرتبطاند، باید آمادگی لازم برای مصاحبه با رسانه‌ها یا نوشتن مطلب در سایت‌ها را داشته باشند. اطلاعاتی را که مأموران پلیس به رسانه‌ها می‌دهند یا در رسانه‌های نوین قرار می‌دهند، باید ساده و درعین‌حال مطابق با واقعیات باشد. نباید وقایع و حوادث را غیرواقعی و سوءگیرانه تحلیل کرد.

نقش کاربرد تکنولوژی‌های نوین در تربیت. با در نظر گرفتن نیازهای تربیتی، به‌ویژه در کشورهای روبه توسعه، همگان معترفاند که تکنولوژی نوین اطلاعاتی-ارتباطی به‌دلیل ماهیت ویژه‌ی خود، در قلمروهای بسیاری کاربرد دارند که در اینجا تنها به قلمرو آموزش و تربیت اشاره می‌شود.

- مؤثر بودن از جنبه‌ی اجرایی، سازمانی و مدیریتی.
- ارایه‌ی انواع آموزش رسمی و غیررسمی شامل آموزش معلمان، آموزش کارکنان و....
- ارایه‌ی انواع اطلاعات برای مراقبت‌های اطلاعاتی، انتظامی، حفاظتی و اجتماعی برای نمونه در خصوص برخی خطرات مانند مواد مخدر و الکل، ایدز و هیپاتیت و....
- تدوین انواع برنامه‌ی ریزی‌های اطلاع‌رسانی خبری و فرهنگی به‌منظور آگاه‌سازی همه‌ی دانشجویان پلیس و هم‌سایر دانشجویان و دانش‌آموزان.
- ارایه‌ی انواع اطلاعات و آموزش‌ها به دانش‌آموزان و دانشجویان برای بالابردن مشارکت سیاسی و کثرت‌گرایی اجتماعی.
- هواشناسی، دریانوردی و کنترل محیط (برای نمونه برای پلیس‌های راهور).
- اطلاع‌رسانی برای پیشگیری از وقوع برخی فجایع و خدمات‌رسانی در مواقع اضطراری. هم از طرف سازمان‌ها و نهادهای مدنی و هم از طریق سازمان‌های رسمی.
- ایجاد امکان مبادله‌ی اطلاعات علمی میان تمامی مراکز علمی و تحقیقاتی از طریق راه دور.
- آموزش مجازی پلیس‌ها از طریق در اختیار قرار دادن انواع اطلاعات و محتوای تخصصی.
- کیفیت بخشیدن در ارایه‌ی مطالب و محتواها و نیز گسترش کمی منابع پلیس.
- آموزش انواع مهارت‌های به‌کارگیری یا استفاده از فضاهای مجازی هم برای افزایش اطلاعات و انجام خدمات و هم برای پیشگیری و مقابله با بروز برخی جرایم، انحرافات و آسیب‌های اجتماعی؛ مانند سرقت‌های اینترنتی و دوست‌یابی‌های اینترنتی.
- کاهش بسیاری از هزینه‌های اضافی و جانبی.
- ایجاد و گسترش انواع مشاوره‌ها (آموزشی، پزشکی، خانوادگی، شغلی و ... پلیس‌ها).

منابع

- خروج‌زاده، محمود، (1382) وبلاگ، در راه ورود به دنیای سایبر، دنیای کامپیوتر و ارتباطات، ویژه نامه‌ی وبلاگ، 1382، ص 4.
- آرون، ریمون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، باقر پرهام، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، 1380.
- آی کاو، دید جی؛ و همکاران، راهکارهای پیشگیری و مقابله با جرایم رایانه‌ای، اکبر استرکی ... دیگران، معاونت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی، تهران 1383.
- بابائی، محمد، رسانه‌ی نوین و سیر تحول تاریخی رسانه‌ها، ماهنامه‌ی مدیریت ارتباطات، شماره‌ی 17، 1390، صص 54 - 65.
- توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت، تهران، 1376، چ ششم.
- چلبی، مسعود، جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، نی، تهران، 1375.
- خانیکی، هادی، وبلاگی‌شدن فرهنگ؛ چشم‌انداز ویژگی‌ها، در مؤسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی، فرهنگ، فناوری اطلاعات و ارتباطات، تهران: مؤسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی، تهران، 1386 صص 141 - 160.
- دزیانی، محمدحسین، کنفرانس بین‌المللی جرم کامپیوتری، خبرنامه‌ی انفورماتیک، شماره 85، 1381، صص 30 - 31.
- دهقان، علیرضا، قماربازی اینترنتی، فصلنامه‌ی ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال اول، 1384، شماره‌ی 2 و 3، صص 45-72.
- دوران، بهزاد، پیشنهاد برای کمک به حل مسئله‌ی اعتیاد به مواد مخدر با اتکا بر شبکه‌ی ارتباطات کامپیوتر واسط، فصلنامه‌ی ایرانی مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال اول، 1384، شماره‌های 2 و 3، صص 19-44.
- دوران، بهزاد، اینترنت و هراس‌های اخلاقی آن در ایران، در مؤسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی، فرهنگ، فناوری اطلاعات و ارتباطات، مؤسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی، تهران، 1386، صص 185 - 198.
- دوران، بهزاد، تأثیر فضای سایبرنتیک بر هویت اجتماعی، رساله‌ی دکترای جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، 1381.
- دوریم، امیل، درباره‌ی تقسیم کار اجتماعی، ترجمه‌ی باقر پرهام، کتابسرای بابل، تهران، 1369.
- راودراد، اعظم، مسائل اجتماعی زنان در اینترنت، فصلنامه‌ی ایرانی مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال اول، 1384، شماره‌های 2 و 3، صص 73-92.

- رضوی، محمد، جرایم سایبری و نقش پلیس در پیشگیری از این جرایم و کشف آن‌ها، فصلنامه‌ی دانش انتظامی، سال نهم، 1386، شماره‌ی اول، صص 120 – 140.
- رفیع‌پور، فرامرز، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، سروش، تهران، 1371.
- روتشکی، رل. تعامل فناوری و فرهنگ و ترس از اطلاعات. گودرز میرانی. مجله‌ی رسانه. شماره‌ی 2. سال 13، 1381. صص 40 – 51.
- صادقی فسادی، سهیلا و محمدی، شهریار، نگاهی جرم‌شناسانه بر جرایم، امنیت و کنترل در اینترنت، فصلنامه‌ی ایرانی مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال اول، 1384، شماره‌های 2 و 3، صص 93-116.
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله، فراتحلیل مطالعات انجام‌شده در حوزه‌ی آسیب‌های اجتماعی در ایران، نامه‌ی علوم اجتماعی، 1379، شماره‌ی 15. صص 67 – 103.
- عبداللهیان، حمید، نوع‌شناسی و بازتعریف آسیب‌های اینترنتی و تغییرات هویتی در ایران، فصلنامه‌ی ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال اول، 1386، شماره‌ی 2 و 3. صص 135 – 154.
- عبقری، آدینه، جرم کامپیوتری جلوه‌ای نوین از بزهکاری؛ پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، حقوق و علوم سیاسی به راهنمایی محمد آشوری، 1377.
- علاقه‌بند، علی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، روان، تهران، 1380، چ بیست‌ونهم.
- غلامعباس توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، 1376، ص 212.
- کازانو، ژان، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، اطلاعات، تهران، 1384.
- کوثری، مسعود، آنومی اجتماعی در اجتماعات مجازی. فصلنامه‌ی ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال اول، 1384، شماره‌ی 2 و 3، صص 171-193.
- کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، انتشارات علمی، انتشارات علمی، 1370.
- کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ. جلد اول: ظهور جامعه‌ی شبکه‌ای، علی پایا (ویراستار ارشد)، احد علیقلیان، افشین خاکباز، طرح نو، تهران، 1380.
- کاستلز، مانوئل، (1380) عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد اول: ظهور جامعه‌ی شبکه‌ای، علی پایا (ویراستار ارشد)، احد علیقلیان، افشین خاکباز، طرح نو، تهران، 1380.
- کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، علمی و فرهنگی، تهران، 1377، چ چهارم.
- کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران، 1368.

- گروهی از نویسندگان، پی‌جویی جرایم رایانه‌ای، رضا پرویزی و حمید حاتمی، معاونت آگاهی ناجا، تهران، 1382.
- گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری، نی، تهران، 1373.
- محسنی، منوچهر و دوران، بهزاد و سهرابی، محمد هادی، بررسی اثرات استفاده از اینترنت بر انزوای اجتماعی کاربران اینترنت (در میان کاربران کافی‌نت‌های تهران)، مجله‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی هفتم، 1385، شماره‌ی 4، صص 72 - 95.
- معظمی، یکتا، رویکردهای حقوقی نسبت به مفهوم جرم رایانه‌ای (از دیدگاه بین‌المللی و ایران)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، به راهنمایی حسین آقای‌نیا، 1383.
- مک این، جی.جی. (؟) هزینه‌نگاری کودکان و قتل، در گروهی از نویسندگان، پی‌جویی جرایم رایانه‌ای. مهدوی، یحیی، جامعه‌شناسی یا علم‌الاجتماع، تهران، بی‌نا، 1341، چ چهارم.
- مولانا، حمید، گذر از نوگرایی: ارتباطات و دگرگونی جامعه. فصل هشتم. کاربرد تکنولوژی نوین فضایی در توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی. یونس شکرخواه. تهران: دفتر مطالعات و توسعه‌ی رسانه‌ها: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، 1387، صص 135 - 161.
- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت کشف جرایم ناجا، جرایم رایانه‌ای (کامپیوتری) و اشاعه‌ی مفاصد اخلاقی، فصلنامه‌ی دانش انتظامی، شماره‌ی 2، صص 136 - 145.
- وایلدینگ، ادوراد، جرایم رایانه‌ای، محمدهادی مؤذن جامی و محسن زبیرانی، معاونت آموزش ناجا، تهران، 1379.
- Hampton, Keith N.& Wellman, Barry (1999) Netville on-Line and off-line: Observing and Surveing a Wired Suburb. American Behavioral Scientist. Vol.43.no.3,pp.475-492.
- Quinn, Brian (2001) the Medicalisation of Online Behaviuor, in Online Information Review, vol.25, iss.3,pp.173,8 pgs.2001:Tindel2001.
- Robinson, k.James (2002) International Computer Crime Conference. Internet as the Scene of Crime:Oslo,Norway, May 12- 13.
- Castells, Manuel (2009) Communication Power. Oxford University Press.
- Crosbie, V. (2002). What is New Media? <http://www.Sociology.org.uk/as4mm3a.doc> Accessed Jan.13, 2010.
- Manovich, Lev (2006) What is New Media? In: The New Media Theory Reader. Edited by Robert
- Hassan & Julian Thomas Open University Press.



- Ricardo, Francisco J. (2008) *Until Something Else: A Theoretical Introduction*. In: *Cyberculture and New Media*. Edited by Francisco J. Ricardo. Netherlands: Rodopi.
- Thompson, John B (1995). *The Media and Modernity: a Social Theory of the Media*. Stanford, CA:Stanford University Press.